



Development and Validation of a Strength-Based Parenting Intervention for Mothers of Children with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder

Zahra Sadat Hoseini Tar¹, Mansureh Hajhosseini^{2*}, Zahra Naghsh³

Abstract

The present study aimed to develop and validate a strength-based parenting intervention tailored for mothers of children diagnosed with Attention Deficit/Hyperactivity Disorder (ADHD). This research employed a qualitative methodology. Thematic analysis was conducted using the Attride-Stirling (2011) framework to construct the content of the intervention protocol, drawing upon a comprehensive review of credible and relevant sources in the field. The statistical population consisted of psychology experts in Tehran during the year 2024 (1403 in the Iranian calendar). A purposive sampling method was used to select 10 specialists, including 4 university faculty members, 5 child psychologists, and 1 expert in qualitative research methodology. The extracted themes were utilized to design the intervention protocol following a validity assessment. As a result, an 8-session group intervention package was developed. To quantitatively evaluate the content validity of the thematic network and the designed protocol, the Content Validity Ratio (CVR) and the Content Validity Index (CVI) were applied. The obtained values exceeded the standard thresholds of 0.62 and 0.79 respectively, indicating acceptable validity of the 8-session group protocol. Based on the validation results of this study, the proposed intervention can be effectively utilized in family-based approaches for children with ADHD.

Keywords: Mothers of Children with ADHD, Strength-Based Parenting, Validation and Development

Submission: 18 March 2025

Revised: 22 August 2025

Acceptance: 24 August 2025

1. PhD student in Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. **Corresponding author:** Associate Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hajhosseini@ut.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.



تدوین و اعتباریابی مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت برای گروه مادران با فرزند دارای اختلال نقص توجه/فزون کنشی

زهرا سادات حسینی طاری^۱، منصوره حاج حسینی^{۲*}، زهرا نقش^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتباریابی یک مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت برای گروه مادران با فرزند دارای اختلال نقص توجه/فزون کنشی/ انجام شد. پژوهش به روش کیفی انجام شد. تحلیل مضامین به شیوه آنراید-استرلینگ (۲۰۱۱) به منظور تهیه محتوای پروتکل با مرور منابع معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش استفاده شد. جامعه آماری متخصصین حوزه روانشناسی در سال ۱۴۰۳ در شهر تهران بودند که تعداد ۱۰ نفر متخصص شامل ۴ نفر از اساتید عضو هیئت علمی دانشگاه، ۵ نفر روانشناس کودک و ۱ نفر متخصص در روش پژوهش کیفی، به عنوان نمونه و به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. مضامین استخراج شده پس از ارزیابی روایی برای طراحی پروتکل استفاده شدند و یک بسته ۸ جلسه ای گروهی طراحی شد. به منظور ارزیابی کمی روایی محتوای شبکه مضامین و پروتکل طراحی شده، از نسبت روایی محتوایی CVR و شاخص اعتبار روایی CVI استفاده شد و نتایج از مقدار استاندارد این شاخص ها که به ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۷۹ است بالاتر بدست آمد که حاکی از روایی قابل قبول این پروتکل گروهی ۸ جلسه ای بود. با توجه به نتیجه اعتباریابی در پژوهش حاضر، می توان در مداخلات خانواده کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی از آن بهره برد.

کلیدواژه‌ها: تدوین و اعتباریابی، فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، مادران با فرزند دارای اختلال نقص توجه/فزون کنشی

تاریخ پذیرش: ۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۳۱ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۲۸ اسفند ۱۴۰۳

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: hajhosseini@ut.ac.ir

۳. دانشیار گروه روان شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

اختلال نقص توجه/فزون کنشی^۱ یک اختلال عصبی رشدی شایع است که در دوران کودکی شروع می‌شود و با علائم نقص توجه، بیش‌فعالی و تکانشگری همراه است که در سطوح پایدار و مختل‌کننده رخ می‌دهد (سادوک و همکاران، ۱۴۰۰). کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی در معرض خطر قابل توجهی برای تجربه اختلال در حوزه‌های اجتماعی، تحصیلی، خانوادگی هستند. این اختلالات می‌توانند بر تمام جنبه‌های زندگی تأثیر بگذارند. اختلالات می‌تواند شامل عزت نفس پایین، تعارضات خانوادگی، پیشرفت تحصیلی کم، مشکلات در روابط اجتماعی و ارتباطی، تنظیم هیجان، فقدان روابط دوستانه باشد (بتهوون^۲ و همکاران، ۲۰۲۳؛ نوربای^۳ و همکاران، ۲۰۲۳؛ های و کلایمی^۴، ۲۰۲۲).

در پژوهش‌ها نقص توجه/فزون کنشی معمولاً به عنوان یک ناتوانی در نظر گرفته می‌شود که مانع از رشد و دستیابی به پتانسیل کامل فرد می‌شود (مک کی^۵ و همکاران، ۲۰۲۳). تحقیقات عموماً بر نواقص و نقاط ضعف افراد مبتلا متمرکز هستند و این اختلال اغلب به عنوان یک اختلال منفی با کمبودهای فراوان دیده می‌شود، یک دیدگاه عمدتاً نقص محور ممکن است به بار زندگی با اختلال نقص توجه/فزون کنشی اضافه کند، به عنوان مثال، به خوبی شناخته شده است که افراد مبتلا به این اختلال مستعد تجربه انگ و انتقاد بر اساس تشخیص خود هستند که می‌تواند بر عزت نفس و بهزیستی آنها تأثیر منفی بگذارد. علاوه بر این، دیدگاه مبتنی بر نقص در نقص توجه/فزون کنشی ممکن است نقاط قوت افراد با تشخیص را نادیده بگیرد. (قندیانی، حسن زاده، لواسانی، عزیززی، ۲۰۲۲؛ های و کلایمی، ۲۰۲۲؛ بتهوون و همکاران، ۲۰۲۳؛ نوربای و همکاران، ۲۰۲۳). اینکه نقص توجه/فزون کنشی ممکن است با جنبه‌های مثبت و یا نقاط قوت مرتبط باشد، نسبتاً ناشناخته است و جنبه‌های اغلب نادیده گرفته شده در ادبیات علمی قبلی است. اخیراً جنبه‌های مثبت این اختلال مورد توجه قرار گرفته است. کم کم جامعه شروع به تمرکز بیشتر روی پذیرش تنوع می‌کند تا اینکه افراد دارای تشخیص را کنار بگذارند. «تنوع عصبی^۶» اصطلاحی است که با این تغییر مفهومی مرتبط است. یکی از مفروضات کلیدی تنوع عصبی این است که همه اشکال تنوع عصبی بسته به محیط ارزشمند هستند (شپیپرز^۷ و همکاران، ۲۰۲۲).

اخیراً تحقیقات در مورد جنبه‌های مثبت نقص توجه/فزون کنشی به کاوش می‌پردازند. مهدی^۸ و همکاران (۲۰۱۷) یک مطالعه کیفی را برای بررسی توانایی‌ها و ناتوانی‌ها در افراد مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی در پنج کشور مختلف و مصاحبه با ۷۶ فرد مبتلا به این اختلال، و سایر ذینفعان (والدین، مراقبان، متخصصان سلامت) پرداخت، آنها در مطالعه خود دریافته‌اند که این افراد جنبه‌های زیر را مثبت می‌دانند: سطح بالای انرژی و انگیزه، خلاقیت، تمرکز بیش از حد، موافق بودن، همدلی و تمایل به کمک به دیگران (مهدی و همکاران، ۲۰۱۷). برخی تحقیقات نیز به تأثیر دوگانه ویژگی‌های نقص توجه/فزون کنشی اشاره می‌کنند به عنوان مثال نوربای و همکاران (۲۰۲۳) در یک تحقیق کیفی به بررسی تجربه شرکت‌کنندگان درباره مزایای مختلفی که در رابطه با داشتن نقص توجه/فزون کنشی تجربه کردند، پرداختند، بسیاری از شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که حتی ویژگی‌های اصلی نقص توجه/فزون کنشی، مانند بیش‌فعالی و تکانشگری، می‌تواند به عنوان ویژگی‌های مثبت تجربه شود و اگرچه این ویژگی‌های اصلی می‌توانند دردسرساز باشند، اما می‌توانند در برخی شرایط سودمند و مفید باشند. در نظر گرفتن این اختلال صرفاً به عنوان یک اختلال، پتانسیل، نقاط قوت و استعدادهایی که کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی می‌توانند داشته باشند را در نظر نمی‌گیرد (شرمن^۹ و همکاران، ۲۰۰۶). لازم است دوباره مفهوم این اختلال درک و درمان شود. داشتن دیدگاه متعادل‌تر فرصتی را برای ایجاد مداخلات

1. Attention Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD)
2. Bethune
3. Nordby
4. Hai & Climie
5. McKay
6. Neurodiversity
7. Schippersn
8. Mahdi
9. Sherman

مبتنی بر نقاط قوت فراهم می‌کند، یک دیدگاه مبتنی بر نقاط قوت می‌تواند بر ایجاد انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های مثبتی که بهزیستی را پشتیبانی می‌کنند، تمرکز کند (کلایمی و ماستوراس^۱، ۲۰۱۵). نکته بسیار مهم این است که جنبه‌های مثبت نقص توجه/فزون کنشی مزایا، منابع، مهارت‌ها یا استراتژی‌هایی هستند که می‌توانند برای واسطه‌گری و یا جبران کمبودها یا آسیب‌های مربوط به این اختلال مورد استفاده قرار گیرند (سجویک^۲ و همکاران، ۲۰۱۹).

نقاط قوت و فضایل شخصیت یکی از حوزه‌های اصلی تحقیقاتی در روانشناسی مثبت‌گرا است (نیمیک و همکاران^۳، ۲۰۱۷). سلیگمن و سیکسزنت میهالی^۴ (۲۰۰۰) روانشناسی مثبت‌گرا را معرفی کردند تا از دیدگاه کمبود محور سلامت روان فاصله بگیرند، به سمت رویکردهایی که مبتنی بر نقاط قوت و تاکید بر جنبه‌های مثبت عملکرد و شکوفایی انسان بودند حرکت کنند (سلیگمن، ۱۴۰۰). پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) نقاط قوت شخصیت را از سایر ویژگی‌های مثبت مانند استعدادها، اشکال هوش، مهارت‌ها، علائق، منابع و ارزش‌ها به دو طریق متمایز کردند. اولاً، به نظر می‌رسد که نقاط قوت شخصیت به طور جهانی به عنوان کمکی نه تنها به افراد بلکه به کل جامعه درک می‌شود و شکوفایی جامعه را افزایش دهند. ثانیاً، در حالی که نقاط قوت شخصیت ثابت است، انعطاف پذیر نیز تلقی می‌شوند و بنابراین برای مداخله باز هستند، در حالی که استعدادها و منابع به طور کلی ثابت هستند. گسترده ترین مدل از این نقاط قوت توسط طبقه بندی ارزش‌ها در عمل^۵ (VIA) از نقاط قوت و فضایل شخصیت ارائه شده است، نتیجه یک فرآیند سه ساله بیش از ۵۰ محقق برجسته است این طبقه بندی شامل ۲۴ نقطه قوت شخصیت مانند خلاقیت، سپاسگزاری، مهربانی و خودتنظیمی می‌شود (پترسون و سلیگمن^۶، ۲۰۰۴). راسک و واترز^۷ (۲۰۱۳) به بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه روان شناسی مثبت پرداختند نتیجه بررسی‌های آنها نشان داد پژوهش‌های فراوانی در روانشناسی مثبت در حوزه آموزش، محیط کار و حیطه‌های فردی مثل رشد پس از سانحه وجود دارد اما در حوزه خانواده پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. واترز نیز تمام مقالات در سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ مرتبط با فرزندپروری در روانشناسی مثبت را مورد بررسی قرار داد، تنها حدود ۲ تا ۵ درصد مقالات به حوزه خانواده مرتبط بودند که این موضوع نشان می‌دهد فرزندپروری در حوزه روانشناسی مثبت کمتر مورد توجه قرار گرفته است (واترز و سان^۸، ۲۰۱۶). به همین دلیل واترز مطرح می‌کند با توجه به اهمیت فرزندپروری در رشد جامعه این غفلت نگران کننده است در نتیجه، او شیوه فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت^۹ را مورد توجه قرار داد. فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت به عنوان رویکردی برای فرزندپروری تعریف می‌شود که با شناسایی و پرورش نقاط قوت کودکان (یعنی حالات، فرآیندها و ویژگی‌های مثبت) و همچنین بکارگیری نقاط قوت خود والدین در فرزندپروری مشخص می‌شود (واترز، ۲۰۱۵؛ واترز و سان، ۲۰۱۶). شیوه فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، نقاط قوت را با شیوه‌های فرزندپروری پیوند می‌دهد و به عنوان سبکی از شیوه فرزندپروری است که بطور آگاهانه حالات مثبت، فرآیندهای مثبت و ویژگی‌های مثبت را در کودک شناسایی و پرورش می‌دهد (آلن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲). این شیوه در کنار کمک به والدین در شناسایی و پرورش نقاط قوت فرزندان، نقاط قوت والدین را نیز در نقش والدگريشان شناسایی می‌کند و رشد می‌دهد. واترز در سال ۲۰۱۵ شیوه فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت را با دو مدل عاملی از نقاط قوت یعنی دانش نقاط قوت و کاربرد نقاط قوت مطابقت داد. دانش نقاط قوت به معنای آگاهی فرد از نقاط قوت و بازشناسی نقاط قوتش تعریف می‌شود درحالیکه، کاربرد نقاط قوت به چگونگی استفاده افراد از نقاط قوت خود در موقعیت‌های مختلف اشاره دارد. واترز و همکاران نشان دادند شیوه فرزندپروری

1. Climie & Mastoras
2. Sedgwick
3. Niemiec
4. Seligman & Csikszentmihalyi
5. The Values in Action (VIA)
6. Peterson
7. Rusk & Waters
8. Waters & Sun
9. Strength-Based Parenting
10. Allen

مبتنی بر نقاط قوت با شاخص‌های متنوع بهزیستی در کودک و نوجوان از جمله افزایش رضایت از زندگی، اثرات مثبت و کاهش استرس همراه است و بهزیستی والدین را موجب می‌شود (واترز و سان، ۲۰۱۶).

با تغییر تمرکز از نقاط ضعف به نقاط قوت، منابع و ویژگی‌های خوب، والدین می‌توانند از طریق عوامل مختلف، بهزیستی فرزندان خود را افزایش دهند (لاکسو^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). تحقیقات روی فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت یافته‌های مثبتی را در کودکان و نوجوانان از نظر رضایت از زندگی، عاطفه مثبت، خودکارآمدی و بهزیستی ذهنی، پیشرفت و بهزیستی تحصیلی، تبحرمداری^۲ و سطوح پایین‌تر پریشانی در کودکان و نوجوانان نشان داده است (لوتون و واترز، ۲۰۱۷؛ طاهری و همکاران، ۱۳۹۹؛ خسروجردی و همکاران، ۱۳۹۹؛ واترز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). والدینی که دانش بالایی درباره نقاط قوت و استفاده از آنها دارند، از فرزندان خود در استفاده و تمرین نقاط قوت شناخته شده و ناشناخته شان حمایت می‌کنند، که به طور مثبتی بر رشد و عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد و به آنها امکان می‌دهد پتانسیل‌های خود را کشف کنند (ارسلان، ۲۰۲۴). رویکرد مبتنی بر نقاط قوت باعث ایجاد چشم انداز مثبت به جای منفی در زندگی می‌شود همچنین به ما این امکان را می‌دهد که با استفاده از منابع درونی خود، زندگی خوبی داشته باشیم. هنگامی که ما از آن برای فرزندان خود استفاده می‌کنیم، آنها این ایده را درونی می‌کنند که دارای نقاط قوت هستند و یاد می‌گیرند که از آنها برای مدیریت زندگی خود استفاده کنند (پروکتر و ایدز، ۲۰۱۹؛ واترز، ۲۰۱۷). فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، با تمرکز بر نقاط و ویژگی‌های مثبت، رابطه مثبت بین والدین و فرزندان شان ایجاد و منجر به بهبود پویایی می‌شود (میلر^۴ و همکاران، ۲۰۲۴).

اگرچه درک ما از نقص توجه-فزون کنشی تا به امروز عمدتاً بر کمبود متمرکز بوده است، کاربرد دیدگاه‌های مبتنی بر نقاط قوت برای کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی و خانواده هایشان یک حوزه در حال ظهور مورد علاقه در ادبیات اخیر است. روانشناسی مثبت نگر برای دوری از تمرکز روی نقاط ضعف افراد دچار اختلال، به جنبه‌های مثبت، کارآمد و توانایی افراد توجه کرد (مگیار-موئه، ۲۰۰۹). گروئن^۵ و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود با عنوان «از روان شناسی مثبت تا آسیب شناسی روانی» بیان کردند اکنون وقت آن است که از تمرکز بر کاستی‌ها و نقاط ضعف در اختلال نقص توجه/فزون کنشی به سمت نقاط قوت و استفاده از منابعی که فرد می‌تواند برای ارتقای خود به کار گیرد، برویم. لچ^۶ (۲۰۱۸) نیز بیان کرد بسیاری از متخصصان از دیدگاه آسیب شناسی به این اختلال نگاه می‌کنند و تنها به نقاط منفی آن توجه می‌کنند و این سبب می‌شود آنها از ویژگی‌های مثبت افراد مبتلا به این اختلال که برای مقابله با چالش‌های شان مهم است، غافل شوند در حالی که صفات مثبت افراد مبتلا به نقص توجه- بیش فعالی ممکن است نقص‌های مرتبط با این اختلال را جبران کند. اتخاذ رویکرد مبتنی بر نقاط قوت در درک کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی می‌تواند مزایای بالقوه‌ای داشته باشد. این رویکرد ویژگی‌ها و مهارت‌های منحصر به فرد در کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی را برجسته می‌کند و دیدگاه متعادل‌تری ارائه می‌دهد. این مهارت‌های مثبت منحصر به فرد می‌تواند به نوبه خود به عنوان مکانیسم‌های جبرانی برای مهارت‌هایی که افراد مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی هنوز در حال توسعه هستند استفاده شود. این مهارت‌ها همچنین می‌تواند در برنامه‌های مداخله رفتاری آنها گنجانده شود و به روانشناسان اجازه می‌دهد تا توصیه‌های راهبردی بیشتری برای کاهش برخی از چالش‌های رفتاری ارائه دهند (کلایمی و هنلی^۷، ۲۰۱۶). دیدگاه‌های مبتنی بر نقاط قوت که این پتانسیل را دارند که به عنوان عوامل محافظتی عمل کنند و خطر اختلال عملکردی را تعدیل کنند. برای مثال مطالعه‌ای که توسط راجرز^۸ (۲۰۲۲) انجام شد نشان داد نقاط قوت کودک نقش تعدیل‌کننده‌ای در رابطه بین علائم درونی‌سازی شده و اختلال عملکردی در کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی ایفا می‌کنند و والدین با تمرکز و تسهیل این نقاط قوت، می‌توانند به طور

1. Laakso
2. Mastery Goals
3. Waters
4. Miller
5. Greven
6. Lesch
7. Climie & Henley
8. Rogers

بالقوه تأثیر منفی علائم درونی‌سازی شده بر عملکرد فرزندشان را کاهش دهند. علاوه بر این شیوه فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت در بعد درون فردی از طریق ایجاد هویت مثبت و در بعد بین فردی رابطه مثبتی بین والد- کودک ایجاد می‌کند (لوتون و واترز، ۲۰۱۷). دیدگاه مثبت والدین از فرزندانشان می‌تواند تعاملات مثبت والد-کودک را تقویت کند و به عنوان یک عامل محافظ کلی برای کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی عمل کند (میلر و همکاران، ۲۰۲۴).

با توجه به جدید بودن پژوهش در حوزه فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت و از طرف دیگر با توجه به فقدان پژوهش که بر مداخله مبتنی بر نقاط قوت در خانواده‌های با فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی تمرکز کند، پژوهش حاضر دارای نوآوری است. در بررسی پیشینه پژوهش هرچند مطالعاتی مانند واترز و سان (۲۰۱۶)، واترز و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت بر مولفه‌های سلامت روان کودکان و نوجوانان و والدین پرداختند، اما مداخله آنها منحصر به جمعیت عادی بود. پژوهش‌های موجود در زمینه نقاط قوت در جمعیت مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی نیز عمدتاً بر بررسی نقاط قوت افراد مبتلا به این اختلال (های و کلایمی، ۲۰۲۲؛ میلر و همکاران، ۲۰۲۴؛ مهدی و همکاران، ۲۰۱۷) پرداختند و نه بر تدوین یک بسته مداخله‌ای ساختاریافته با این عنوان. مرور مداخلات خانواده نیز نشان داد عموماً برنامه‌های فرزندپروری برای والدین دارای فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی مانند برنامه فرزندپروری مثبت^۱ (گنیه^۲ و همکاران، ۲۰۲۳)، برنامه سال‌های باورنکردنی^۳ (مورای^۴ و همکاران، ۲۰۱۸) بر برقراری رابطه مثبت و مدیریت رفتارهای مشکل ساز کودک متمرکز هستند و بر دیدگاه مبتنی بر نقاط قوت نپرداختند، تنها یک پژوهش مرتبط در داخل ایران یافت شد که از نظر روش و محتوا با پژوهش حاضر متفاوت است، قندیانی آرانی و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی یک مداخله مبتنی بر نقاط قوت بر مادرانی که فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی دارند پرداخته‌اند اما مداخله پژوهش آنها با استفاده از مرور سیستماتیک طراحی شده است و با جزئیات کافی به نقاط قوت نپرداخته است علاوه بر این به شناسایی و پرورش نقاط قوت والد نیز توجه نشده است و تنها متمرکز بر کودک است لذا از نظر روش و محتوا با پژوهش حاضر متفاوت است. بنابراین با توجه به این خلاء در زمینه ارائه یک مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت و سنجش اعتبار محتوای آن برای والدین با فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی و با توجه به اثراتی که چنین مداخله‌ای می‌تواند بر سلامت روان خانواده داشته باشد، مطالعه حاضر با هدف تدوین و اعتبار سنجی یک مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت برای والدینی که فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی دارند انجام شده است.

روش

این پژوهش از نوع کاربردی و با روش پژوهش کیفی، سعی در تدوین و طراحی پروتکل مداخله‌ای مبتنی بر نقاط قوت برای والدین با فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی داشت که در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول با استفاده از روش تحلیل مضمون آتراید- استرلینگ (۲۰۰۱) مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر استخراج شد. جامعه مطالعاتی جهت شناسایی مضامین و ترسیم شبکه مضامین، تعداد زیادی مقاله و کتاب بود که از میان آنها ۵ منبع فارسی و ۲۰ منبع انگلیسی انتخاب شدند که بیشترین ارتباط را با مطالعه داشتند و پس از مطالعه آنها مضمون جدیدی یافت نمیشد. انتخاب حجم نمونه در پژوهش کیفی، مستلزم معامله‌ای پایاپای بین گستردگی پژوهش و عمق آن است و بهترین شیوه نمونه‌گیری این است که تا رسیدن به مورد زائد یعنی موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آید، به انتخاب موارد ادامه داده شود و از سوی دیگر زمانیکه مورد جدیدی در نمونه، یافته‌های حاصل از پژوهش‌های قبلی را تکرار کند، اعتبار یافته‌های قبلی افزایش می‌یابد به هر حال با توجه به ماهیت غیرقابل پیش بینی طرح‌های پژوهش کیفی، فنون نمونه‌گیری این پژوهش نیز انعطاف پذیر بوده و نمونه‌گیری‌ها هدفمند هستند. زیرا از روی قصد، مواردی

1. Triple P- Positive Parenting Program
2. Gagné
3. The Incredible Years (IY) Program
4. Murray

انتخاب می‌شوند که در راستای اهداف پژوهش دارای اطلاعات غنی هستند (گال و همکاران، ۱۹۹۶). مطالعات همگی با مداخله مبتنی بر نقاط قوت، فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت و اخلاص نقص توجه- بیش فعالی مرتبط و ثبت شده و در سایت‌ها و مراجع اینترنتی رسمی و علمی پژوهشی مانند (الزیور، پاب کمد) بودند. کلیدواژه‌ها عبارت از: نقص توجه- بیش فعالی، نقاط قوت، مداخله مبتنی بر نقاط قوت، فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، اثربخشی روش‌های درمانی و انواع طرح‌های پژوهشی (آزمایشی، رابطه‌ای، کیفی) بودند. بعد از مرور دقیق تک‌تک منابع، جملات مرتبط به دست آمده از متون در هر منبع کدگذاری اولیه شدند و سپس به صورت خلاصه و محدود درآمدند یعنی تبدیل به مضامین شدند که می‌توانستند معرف بخش‌هایی از متن (همان جملات) باشند. سپس بر اساس چند مضمون پایه که با هم مرتبط بوده و در یک گروه قرار می‌گرفتند، یک مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد. مضامین پایه جمع‌آوری شده در یک مضمون سازمان‌دهنده، در عین حالی که از لحاظ معنا و مفهوم با هم انسجام و همخوانی داشتند، تمایزات واضح و مشخص هم داشتند. مضامین سازمان‌دهنده، تنظیم مجدد شدند تا در نهایت مدل نهایی به صورت شبکه مضامین مشخص شد و سپس این شبکه مضامین مورد اصلاح و پالایش نهایی قرار گرفت. در مرحله دوم با استفاده از مضامین استخراج شده اقدام به تدوین پروتکل مبتنی بر نقاط قوت شد و تعداد و محتوای جلسات طراحی و سپس اقدام به اعتباریابی بسته طراحی شده شد. در مرحله اعتباریابی، جامعه آماری متشکل از متخصصان روانشناسی کشور در سال ۱۴۰۳ در حوزه اختلال نقص توجه/فزون کنشی، روان‌شناسی کودک، اعضای هیئت علمی دانشگاه و متخصصیت پژوهش کیفی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۰ نفر متخصص (۵ نفر روانشناس کودک در حوزه نقص توجه/فزون کنشی، ۴ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه و ۱ نفر متخصص پژوهش کیفی) به عنوان نمونه و ارزیابان انتخاب شدند. معیار انتخاب نمونه متخصصان، شامل دارا بودن مدرک و تحصیلات مرتبط با حوزه روان‌شناسی و سابقه کار حداقل ۵ سال بود و پس از مطالعه توضیحات و مبانی نظری پژوهش با شرکت در پژوهش رضایت داشتند. ارزیابان پرسشنامه‌ای که به منظور ارزیابی کمی روایی محتوای شبکه مضامین و ارزیابی کمی پروتکل طراحی شده بود را طی مدت ۱۰ روز تکمیل کردند. پرسشنامه‌ای که برای ارزیابی متخصصان نسبت به روایی محتوای شبکه مضامین طراحی شد شامل معرفی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر بود و نظر آنها در یک طیف لیکرت ۴ درجه‌ای (از غیر مرتبط تا کاملاً مرتبط) ارزیابی می‌کرد در پایان هر ستون، ستونی نیز با عنوان پیشنهادات وجود داشت که در صورت نیاز نظر خود را مطرح کنند. سپس روایی محتوا به صورت کمی با استفاده از شاخص روایی محتوا یا CVI ارزیابی شد. به منظور ارزیابی روایی محتوای پروتکل تدوین شده نیز نظر متخصصان نسبت به محتوا، تعداد و مدت زمان جلسات طی پرسشنامه‌ای در یک طیف لیکرت ۳ درجه‌ای (مناسب، مناسب اما نیازمند اصلاح، نامناسب) ارزیابی نسبت روایی محتوا یا CVR محاسبه شد.

برنامه مداخله

پس از استخراج شبکه مضامین و با استفاده از محتوای بدست آمده از آن، پروتکل مداخله‌ای مبتنی بر نقاط قوت برای مادران در قالب ۸ جلسه ۲ ساعته گروهی طراحی شد و پس از آن جهت اعتبارسنجی در اختیار متخصصان قرار گرفت. محتوای پروتکل به شرح زیر است.

جدول ۱. برنامه مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت برای گروه مادران دارای فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی

جلسه	موضوع و هدف جلسه	محتوای جلسه
جلسه اول	معرفی اعضا، آشنایی با اختلال نقص توجه/فزون کنشی، معرفی دیدگاه مبتنی بر نقاط قوت	معارفه و ایجاد ارتباط آشنایی با اختلال نقص توجه/فزون کنشی، معرفی رویکرد مبتنی بر نقاط قوت، جمع بندی، مرور ساختار جلسات و تعیین تمرین خانگی
جلسه دوم	شناسایی و رشد نقاط قوت کودک مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی هدف جلسه: شناسایی نقاط قوت و روش‌هایی برای رشد آنها، ایجاد انگیزه در کودک برای به کارگیری توانمندی‌های شخصی خود	شناسایی و تقویت نقاط قوت کودک استفاده از نقاط قوت در موقعیت‌های چالش‌زا و استفاده از نقاط قوت به روش جدید جمع بندی جلسه و تعیین تمرین خانگی

جلسه سوم	سوگیری‌های منفی و ذهنیت رشد هدف جلسه: شناخت سوگیری‌های منفی که مانع دیدن نقاط قوت می‌شود، آشنایی با ذهنیت ثابت و ذهنیت رشد	شناسایی سوگیری‌های منفی آشنایی با ذهنیت‌ها و معرفی ذهنیت ثابت و رشد مرور و جمع بندی و تعیین تمرین خانگی
جلسه چهارم	ذهن آگاهی، شناخت و بازسازی افکار هدف جلسه: معرفی ابزار ذهن آگاهی برای شناخت و مدیریت افکار منفی	شناسایی احساسات و افکار با استفاده از ذهن آگاهی، مرور و تعیین تمرین خانگی
جلسه پنجم	ارتباط هدف جلسه: تقویت ارتباط والد- کودک مبتنی بر نقاط قوت	اصول برقراری ارتباط مثبت، همدلی و پذیرش مرور و جمع بندی و تعیین تمرین خانگی
جلسه ششم	ایجاد انضباط و جبران ضعف‌ها مبتنی بر نقاط قوت هدف جلسه: آموزش انضباط مثبت مبتنی بر نقاط قوت، حمایت از والدین برای مدیریت رفتار کودک، کمک به مادران برای جلوگیری از چرخه‌های منفی تنبیه	ایجاد چارچوب برای رفتارها، کار بر روی نقاط ضعف کودک، جمع بندی و تعیین تمرین خانگی
جلسه هفتم	شناسایی و گسترش نقاط قوت والدین هدف جلسه: والدین با نقاط قوت خود آشنا می‌شوند و درک می‌کنند که این ویژگی‌ها می‌توانند در نقش والدگری آنها به کار گرفته شود.	آشنایی والدین با نقاط قوت خود گسترش نقاط قوت والدین در نقش والدگری جمع بندی و تعیین تمرین خانگی
جلسه هشتم	جمع بندی، شناسایی عوامل کمک کننده و موانع، جشن موفقیت ها، آمادگی برای پایان دوره هدف جلسه: ایجاد فضای حمایتی برای والدین جهت پایان دوره و برنامه ریزی برای آینده	مروری بر مباحث مطرح شده با مشارکت اعضا، شناسایی عوامل کمک کننده و موانع جشن موفقیت‌ها، ایجاد انگیزه برای آینده، خداحافظی و قدردانی

شیوه اجرای پژوهش

بخش‌هایی از ادبیات پژوهشی مربوط به اختلال نقص توجه/فزون کنشی، مداخله مبتنی بر نقاط قوت، فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، نقاط قوت افراد مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی نتایج در ۲۰ منبع انگلیسی و ۵ منبع فارسی استخراج و تحلیل شدند. در ابتدای امر، آنچه برای پژوهشگر در انتخاب داده‌های متنی مورد توجه و اهمیت قرار داشت، عبارت بودند از: کیفیت مطلوب محتوایی جملات در متون، جامع بودن و کامل بودن متون، وضوح و قابل فهم و درک بودن متون و در نهایت ارتباط دقیق متن با مفاهیم مورد پژوهش. پس از آن انتخاب داده‌های متنی و کدهای اولیه تا جایی صورت گرفت که هیچ گونه اطلاعات و داده‌های جدیدی از منابع، بیش از آنچه جمع‌آوری شده است، دریافت نشد و هر گونه اطلاعاتی که افزون بر اطلاعات ناشی از منابع فوق به دست می‌آمد، تکرار اطلاعات جمع‌آوری شده در قالب ادبیات دستوری گوناگون بود و در نهایت جمع‌آوری داده‌ها تا اشباع کامل داده‌ها ادامه یافت و سپس متوقف گردید. ۲ مضمون فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان دهنده و ۱۵۹ مضمون پایه شناسایی شد. دو مضمون فراگیر شامل فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت و اختلال نقص توجه/فزون کنشی بود. در مضمون فراگیر فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده (دانش، نگرش، رشد و توسعه، ارتباط، تغییر، احساسات، باورها، مدیریت توجه، ایجاد انضباط، تسهیلگری) و ۱۱۳ مضمون پایه و در مضمون فراگیر اختلال نقص توجه/فزون کنشی ۵ مضمون سازمان دهنده (نشانه‌ها، اختلال در عملکرد کودک، اختلال در عملکرد خانواده، اختلال در ادراک از خود، توانمندی‌ها و نقاط قوت) و ۴۶ مضمون پایه شناسایی شدند.

یافته‌ها

جهت اعتباریابی شبکه مضامین و هم‌بستگی بستره تدوین شده، پرسشنامه‌های بررسی روایی محتوا در اختیار ارزیابان (۱۰ نفر از متخصصین) قرار داده شد تا در خصوص شبکه مضامین و بسته طراحی شده اعلام نظر نمایند. جهت بررسی روایی محتوای شبکه مضامین به صورت کمی، از شاخص روایی محتوا (CVI¹) استفاده شده است. برای تک‌تک مضامین، شاخص روایی محتوایی محاسبه گردید و میانگین آن‌ها به صورت شاخص روایی محتوایی کلی قالب مضامین تعریف می‌شود. مقدار شاخص روایی محتوایی در مورد قالب مضامین ایجاد شده از مقدار استاندارد این شاخص ۰/۷۹ بزرگ‌تر است، بنابراین ضریب روایی محتوایی به دست آمده مورد تایید

1. Content Validity Index

تدوین و اعتباریابی مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت برای گروه مادران با فرزند اختلال نقص توجه/فزون کنشی

زهرا سادات حسینی طاری، منصوره حاج حسینی و زهرا نقش

می‌باشد. همچنین ضریب پایایی هولستی شبکه مضامین برابر با ۰/۹۱ و مطلوب بود. به منظور بررسی روایی محتوای بسته طراحی شده نیز از نسبت روایی محتوا (CVR¹) استفاده شد. با توجه به اینکه محتوای بسته تدوین شده در قسمت شیوه اجرا ارائه شده است، در این قسمت صرفاً به نحوه اعتباریابی آن پرداخته می‌شود. نظر ارزیابان نسبت به محتوای بسته، تعداد جلسات، عنوان و هدف جلسات و مدت زمان هر جلسه به صورت طیف لیکرت (مناسب، مناسب اما نیازمند اصلاح و نامناسب) بررسی شد. نتیجه در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. ارزیابی نسبت روایی محتوای بسته

محتوا	مناسب	مناسب اما نیازمند اصلاح	نامناسب	CVR	نتیجه
جلسه ۱	۹	۱	۰	۰/۸۰	تایید شد
معرفی اعضا، آشنایی با اختلال نقص توجه/فزون کنشی، معرفی دیدگاه مبتنی بر نقاط قوت					
جلسه ۲	۱۰	۰	۰	۱	تایید شد
شناسایی و رشد نقاط قوت کودک مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی					
جلسه ۳	۱۰	۰	۰	۱	تایید شد
سوگیری‌های منفی و ذهنیت رشد					
جلسه ۴	۹	۱	۰	۰/۸۰	تایید شد
ذهن آگاهی، شناخت و بازسازی افکار					
جلسه ۵	۱۰	۰	۰	۱	تایید شد
ارتباط					
جلسه ۶	۱۰	۰	۰	۱	تایید شد
ایجاد انضباط و جبران ضعف‌ها مبتنی بر نقاط قوت					
جلسه ۷	۱۰	۰	۰	۱	تایید شد
شناسایی و گسترش نقاط قوت والدین					
جلسه ۸	۱۰	۰	۰	۱	تایید شد
جمع بندی، شناسایی عوامل کمک کننده و موانع، جشن موفقیت‌ها، آمادگی برای پایان دوره					
تعداد جلسات	۸ جلسه	۹	۱	۰/۸۰	تایید شد
مدت زمان جلسات	۲ ساعت	۱۰	۰	۱	تایید شد

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقادیر CVR برای تمامی جلسات بالاتر از حداقل مقدار قابل قبول (۰/۶۲) بود که روایی محتوای آن‌ها را تأیید می‌کند (حیبی و سرآبادانی، ۱۴۰۱). همچنین، نظرات کیفی متخصصان در قالب پیشنهادات اصلاحی جمع‌آوری و در نسخه نهایی بسته آموزشی اعمال گردید برای مثال یکی از متخصصین بیان کردند از تأکید صرف بر نقاط قوت خودداری شود و نقاط ضعف افراد نیز به رسمیت شناخته شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتباریابی یک مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت برای گروه مادران با فرزند دارای اختلال نقص توجه/فزون کنشی انجام شد. پژوهش در دو بخش استخراج شبکه مضامین و طراحی پروتکل مداخله‌ای بر اساس مضامین بدست آمده انجام شد. اعتباریابی بسته توسط ۱۰ نفر متخصص بررسی و نسبت روایی محتوا در مورد جزئیات بسته محاسبه گردید نتایج نشان داد که تمامی مؤلفه‌ها و محتوای بسته تدوین شده از نظر ۱۰ نفر متخصص دارای شاخص روایی محتوا در سطح مطلوب (بالاتر از ۰/۶۲) و از اعتبار محتوایی کافی برخوردار است. این یافته بیانگر آن است که بسته طراحی شده می‌تواند به عنوان چارچوبی علمی برای مداخلات روان‌شناختی در حوزه خانواده‌های دارای فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی مورد استفاده قرار گیرد. مقایسه این نتایج با یافته‌های پیشین نشان می‌دهد که نتایج حاضر همسو با پژوهش‌های پیشین است. یکی از اهداف بسته طراحی شده دوری از تمرکز صرف بر نقاط ضعف و تمرکز بیشتر بر نقاط قوت بود و این همسو با نظر سلیگمن و سیکسزنت میهالی (۲۰۰۰) است آنها پیشنهاد کردند که روانشناسی باید تمرکز خود را از آسیب شناسی تغییر دهد و به سمت درک چگونگی شکوفایی افراد حرکت کند. در تبیین این موضع می‌توان گفت تمرکز بر نقاط قوت بیانگر باور تاریخی در میان روانشناسان است که همه افراد

1. Content Validity Ratio

بدون توجه به سطح اختلال خود دارای نقاط قوت و توانایی‌های مقابله‌ای هستند و تمرکز بر این دارایی‌ها به جای شرم و ناامیدی رویکرد بهتری را برای افزایش سلامت روان و دستیابی به بهبودی ارائه می‌دهد (باتس-کراکف^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

از دیگر اهداف این بسته کمک به والدین است تا فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی را با شناسایی و تقویت نقاط قوتشان توانمندتر کنند و عملکرد آنها را بهبود دهند، مطالعات دیگر نیز نشان دادند افراد مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی که عملکرد بالایی دارند از توانمندی‌های خود (برای مثال انرژی بالا، خلاقیت، گشودگی به تجربه‌های جدید، متفاوت فکر کردن) برای جبران کاستی‌های اختلال استفاده می‌کنند (لیچ، ۲۰۱۸). بنا بر نظر واترز و همکاران (۲۰۱۹) یک روش قدرتمند برای ساختن نقاط قوت در افراد از طریق بازخورد نقاط قوت آنهاست که از دیگران در زندگی روزمره خود دریافت میکنند. در پژوهش گاندر^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نیز از بازخورد دادن به عنوان یکی از روش‌های ایجاد و تقویت نقاط قوت استفاده شده بود.

از دیگر اهداف بسته طراحی شده در این پژوهش کمک به والدین برای شناسایی و بازبینی باورهای منفی و تغییر به سمت ذهنیت رشد در خود و در کودک بود، ذهن آگاهی نیز به عنوان ابزاری در دستیابی به این هدف آورده شده است. فردی با ذهنیت رشد خود را دارای ویژگی‌هایی می‌داند که می‌توان آنها را تغییر داد، در حالی که فردی با ذهنیت ثابت ویژگی‌های شخصی را ثابت و غیرقابل تغییر می‌داند. مثال: ذهنیت ثابت: من سریع عصبانی می‌شوم؛ ذهنیت رشد: من روی خلق و خوی خودم کار می‌کنم. در همین راستا استاینر و گنگو^۳ (۲۰۱۸) در یک مداخله مبتنی بر نقاط قوت در خانواده‌های دارای فرزند مبتلا به اتیسم به آموزش خوش بینی به والدین اشاره کردند و بیان کردند یک پزشک با تمرین خوش بینی ممکن است به والدین بیاموزد که باورهای منفی را به چالش بکشند و تفکر مثبت را در خود بگنجانند. به عنوان مثال، پزشک ممکن است والدین را به استفاده از خودگویی خوش بینانه راهنمایی کند، مانند این که «این عصبانیت واقعا وحشتناک است، اما من با آن کنار می‌آیم و آرام می‌مانم. من پدر و مادر خوبی هستم و کاری که انجام می‌دهم مفید است.» استفاده از ذهن آگاهی نیز به عنوان ابزار کمک کننده در دستیابی به مدیریت احساس و افکار و دستیابی به ذهنیت رشد از نظر متخصصین مطلوب ارزیابی شده است، همانگونه که واترز (۲۰۱۷) در کتاب خود بیان می‌کند ذهن آگاهی به والدین در لحظات دشوار کمک می‌کند تا آرامش خود را حفظ کنند و در بلندمدت به لحاظ عاطفی حضور بیشتری برای کودکان داشته باشند. این ابزار به والدین اجازه می‌دهد توانایی‌ها و ویژگی‌های فرزندشان را بشناسند و به خود و کودک کمک کنند افکار منفی که مانع استفاده از نقاط قوت می‌شوند را با افکاری مبتنی بر نقاط قوت جایگزین کنند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است علاوه بر کمک به والدین برای ایجاد یک لنز جدید و شناسایی و رشد توانمندی‌های فرزندشان، به شناسایی و رشد نقاط قوت خود والدین نیز توجه شود. گسترش نقاط قوت والدین، درجه‌ای است که والدین در هنگام تربیت فرزندان خود، نقاط قوت خود را عملی می‌کنند (به عنوان مثال، والدین محتاط که به نوجوان خود کمک می‌کنند بودجه ماهانه خود را تعیین کنند، والدین خوش ذوقی که به فرزندشان کمک می‌کنند تا جشن خود را برنامه ریزی کنند). این با نظریه بسط و ساخت فردریکسون^۴ (۲۰۰۱) همخوان است که بیان می‌کند که احساسات مثبت دامنه توجه و شناخت را گسترش می‌دهند، که به ایجاد منابع شخصی کمک می‌کند. با اجرای فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت، احساسات مثبت والدین می‌تواند به والدین کمک کند تا به طیف وسیع تری از نقاط قوت خود و فرزندانشان توجه کنند و به تعداد زیادی راه برای به کارگیری نقاط قوت خود بیاندیشند. در این راستا واترز و سان (۲۰۱۶) بیان می‌کنند که توجه به نقاط قوت کودک و والدین توأمان یعنی فراهم کردن فرصت‌هایی است که به کودک اجازه می‌دهد تا نقاط قوت خود را پرورش دهد و به والدین نیز کمک می‌کند تا به این فکر کنند که چگونه نقاط قوت خود را به فرزندپروری بیاورد.

1. Bates-Krakoff
2. Gander
3. Steiner & Gengoux
4. Fredrickson, Broaden and Build Theory

مرور پژوهش‌ها در زمینه کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی و خانواده هایشان نشان می‌دهد که عموماً این پژوهش‌ها به بررسی نقاط ضعف و مشکل ساز (بتهوون و همکاران، ۲۰۲۳؛ نوربای و همکاران، ۲۰۲۳؛ های و کلایمی، ۲۰۲۲) پرداخته‌اند و درمان‌ها نیز بیشتر معطوف به کاهش این نقاط ضعف و آسیب‌ها بوده‌اند. مرور درمان‌های موجود در زمینه نقص توجه/فزون کنشی نشان می‌دهد به طور کلی درمان‌های موجود در این زمینه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: درمان‌های دارویی^۱ و درمان‌ها غیردارویی. درمان دارویی شامل ۱- داروهای محرک^۲ و ۲- داروهای غیر محرک^۳ هستند. درمان‌های غیر دارویی نیز به چند دسته تقسیم می‌شوند: ۱- درمان‌های روان شناختی شامل آموزش مدیریت رفتار (مانند آموزش والدین، مداخلات مربوط به مدیریت کلاس مدرسه، برنامه مدیریت مشروط^۴، درمان شناختی رفتاری^۵، آموزش مهارت‌های اجتماعی^۶)، مداخلات متمرکز بر شناخت^۷ (مانند تمرین‌های حافظه کاری^۸، تمرین توجه^۹، نوروفیدبک^{۱۰} و غیره) ۲- درمان‌های مکمل (شامل مداخلات غذایی، مداخلات ذهن و بدن مانند مدیتیشن و ذهن آگاهی و غیره) ۳- استفاده از دستگاه‌ها (مانند تحریک جریان مستقیم ترانس کرانیال^{۱۱} (TDCS)). داروها بر روی تنظیم انتقال دهنده‌های عصبی در مغز کار می‌کنند و رفتار درمانی بیشتر به سمت رفتارهای مشکل دار خاص مانند عملکرد تحصیلی ضعیف، روابط بد با بستگان و همسالان و رفتار پرخاشگرانه متمرکز است (نازاروا^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۲). برنامه‌های آموزش والدین برای والدین دارای فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی مانند برنامه فرزندپروری مثبت^{۱۳} (گنیه و همکاران، ۲۰۲۳)، برنامه سال‌های باورنکردنی (مورای^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸) عموماً بر برقراری رابطه مثبت و مدیریت رفتارهای مشکل ساز کودک متمرکز هستند و بر دیدگاه مبتنی بر نقاط قوت نپرداختند، پژوهش حاضر تلاش کرده است گامی در جهت پر کردن این خلا داشته باشد و به والدینی که فرزند مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی دارند کمک کند از تمرکز بیش از اندازه بر نقاط ضعف و کاستی‌ها فاصله بگیرند، از لنز جدیدی به خود نگاه کنند و با شناسایی و رشد توانمندی‌ها برای جبران نقص‌ها، عملکرد خود را ارتقا دهند. در برنامه ارتقای دانش، نگرش و عملکرد با رویکرد مثبت نگری به اختلال نقص توجه/فزون کنشی که توسط قندیانی و همکاران (۱۴۰۱) انجام شد ۷ جلسه گروهی و ۳ جلسه فردی برای والدین برگزار شد که در آن تلاش شده است به والدین آموزش داده شود نقاط قوت فرزندشان را تشخیص داده و رشد دهند، همینطور در زمینه مدیریت رفتار کودک و برقراری ارتباط مثبت با او، شناخت ویژگی‌های نقص توجه/فزون کنشی، خودآگاهی و تفاوت فردی افراد مبتلا بحث شده است، نتایج پژوهش آنها نشان داد برنامه ارتقای دانش، نگرش و عملکرد با رویکرد مثبت نگری به اختلال نقص توجه/فزون کنشی تاثیر معناداری بر کاهش استرس فرزندپروری مادران، بهبود تعامل والد-کودک و خودکارآمدی کودک داشته است. اما همانگونه که در مقدمه بیان شد پژوهش آنها از نظر روش و محتوا با پژوهش حاضر متفاوت است، پژوهش حاضر تلاش کرده است با روش تحلیل مضامین ارزیابی عمیق تری از محتوای مداخله فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت به عمل آورد و در نتیجه در محتوا با پژوهش قندیانی و همکاران (۱۴۰۱) تفاوت‌هایی از جمله بررسی و تقویت نقاط قوت والد در کنار نقاط قوت فرزند، تلاش برای ایجاد ذهنیت رشد در مقابل ذهنیت ثابت و بررسی و بازسازی افکار مبتنی بر نقاط قوت، پرداختن به نقاط قوت و تلاش برای جبران آنها با استفاده از نقاط قوت و غیره دارد.

1. Pharmacological Interventions
2. Stimulant Drugs
3. Non-Stimulant Drugs
4. Contingency Management
5. Cognitive Behavior Therapy
6. Social Skills Training
7. Cognitive Training Interventions
8. Working Memory Training
9. Attention Training
10. Neurofeedback
11. Transcranial Direct Current Stimulation
12. Nazarova
13. Triple P- Positive Parenting Program
14. Murray

با توجه به یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که پروتکل تدوین شده می‌تواند به عنوان یک رویکرد نوین و مکمل در توانمندسازی والدین و کودکان مبتلا به نقص توجه/فزون کنشی عمل کند. این رویکرد با تاکید بر توانمندی‌ها به جای تمرکز بر صرف بر مشکلات و نقص‌ها، می‌تواند زمینه ساز افزایش خودکارآمدی والدینی، بهبود رابطه والد-کودک و کاهش پیامدهای منفی این اختلال باشد. با این وجود، پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی نیز بوده است از جمله استفاده صرف از منابع نوشتاری برای تحلیل مضامین، و عدم استفاده از مصاحبه با والدین و یا متخصصان و همینطور عدم بررسی اعتباریابی بیرونی بسته و بررسی اثربخشی. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ضمن استفاده از مصاحبه با والدین و متخصصان در مرحله طراحی بسته، اثربخشی بسته نیز مورد آزمون قرار گیرد همینطور می‌توان در بررسی اثر بخشی از مصاحبه با والدین نیز استفاده شود. در مجموع، این پروتکل می‌تواند گامی اولیه اما مهم در جهت غنی‌سازی مداخلات روان‌شناختی و تقویت منابع درونی این خانواده‌ها به شمار رود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری تخصصی نویسنده اول مقاله در دانشگاه تهران است. بدین وسیله از اساتید و متخصصین ارجمندی که در فرآیند این پژوهش ما را یاری دادند، سپاسگزاریم.

تعارض و منافع

کلیه نویسندگان اعلام می‌دارند در این مطالعه تعارض منافی نداشته‌اند.

منابع

- پروکتر، ک.، و ایدز، ج. (۲۰۱۹). پرورش توانمندی‌های منش در کودکان و نوجوانان. ترجمه فصیح، پ؛ اسفغانی، م. (۱۴۰۲). تهران: اسباب. حبیبی، آ.، و سرآبادانی، م. (۱۴۰۱). آموزش کاربردی SPSS. تهران: نارون.
- خسروجردی، ز.، حیدری، م.، قنبری، س.، و پاکدامن، ش. (۱۳۹۹). تاثیر آموزش توانمندی‌های منش بر تبحرمداری نوجوانان: نقش شادی. *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*. ۴(۴)، ۱۰۸-۹۳.
- سادوک، ب.، سادوک، و.، و روییز، پ. (۲۰۱۵). خلاصه روان‌پزشکی کاپلان و سادوک. ترجمه گنجی، م. (۱۴۰۰). جلد ۳. تهران: ساوالان.
- سلیگمن، م. (۲۰۱۱). *شکوفایی - روان‌شناسی مثبت‌گرا*، ترجمه کامکار، ا؛ هژبریان، س. (۱۴۰۰). تهران: نشر روان.
- طاهری، ا.، نامی، ع.، امیرفخرایی، آ.، و آتش افروز، ع. (۱۳۹۹). اثر توانمندی منش بر اشتیاق و بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان با میانجی‌گری استفاده از توانمندی‌های منش. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۱۴(۵۰)، ۹۶-۷۹.
- قندیانی آرانی، خ.، حسن زاده، س.، غلامعلی لواسانی، م.، و عزیزی، م. (۱۴۰۱). اثربخشی برنامه ارتقای دانش، نگرش و عملکرد با رویکرد مثبت‌نگری به اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی بر تعامل والد-کودک، استرس فرزندپروری و خودکارآمدی. *فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*. ۱۳(۳)، ۹۳-۷۳.
- گال، م.، بورگ، و.، و گال، ج. (۱۹۹۶). *روش‌های پژوهش کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*. ترجمه نصر، و همکاران. (۱۳۹۳). تهران: سمت و دانشگاه تهران.
- مگیار - موئه، ج. (۲۰۰۹). *مداخلات روان‌شناسی مثبت‌نگر*، ترجمه فروغی، ع. (۱۴۰۰). تهران: ارجمند.
- واترز، ل. (۲۰۱۷). به سوی شکوفایی: چگونه علم جدید فرزندپروری مبتنی بر نقاط قوت می‌تواند به شکوفایی کودک و نوجوان شما کمک کند. ترجمه ارجمندنیا، ع؛ سجادی، س. (۱۴۰۰). تهران: شهود.
- Allen, K., Waters, L., Arslan, G., & Prentice, M. (2022). Strength-based parenting and stress-related growth in adolescents: Exploring the role of positive reappraisal, school belonging, and emotional processing during the pandemic. *Journal of Adolescence*, 94(2), 176-190.
- Bates-Krakoff, J., Parente, A., McGrath, R., Rashid, T., & Niemiec, R.M. (2022). Are character strength-based positive interventions effective for eliciting positive behavioral outcomes? A meta-analytic review. *International Journal of Wellbeing*.

- Bethune, S. C., Rogers, M. A., Smith, D., Whitley, J., Hone, M., & McBrearty, N. (2023). The impact of internalizing symptoms on impairment for children with ADHD: A strength-based perspective. *Journal of Attention Disorders*, 27(1), 26–37.
- Climie E. A., & Mastoras S. M. (2015). ADHD in schools: Adopting a strengths-based perspective. *Canadian Psychology*, 56(3), 295–300.
- Climie E., & Henley L. (2016). A renewed focus on strengths-based assessment in schools. *British Journal of Special Education*, 43(2), 108–121.
- Fredrickson, B. L. (2001). The role of positive emotions in positive psychology. The broaden-and-build theory of positive emotions. *The American Psychologist*, 56(3), 218–226.
- Gagné, M.-H., Piché, G., Brunson, L., Clément, M.-È., Drapeau, S., & Jean, S.-M. (2023). Efficacy of the Triple P—Positive Parenting Program on 0–12-year-old Quebec children's behavior. *Children and Youth Services Review*, 149, 1–11.
- Gander, F., Wagner, L., & Niemiec, R. (2024). Do character strengths-based interventions change character strengths? Two randomized controlled intervention studies. *Collabra: Psychology*, 10(1):108604.
- Greven, C. U., Buitelaar, J. K., & Salum, G. A. (2018). From positive psychology to psychopathology: The continuum of attention-deficit hyperactivity disorder. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 59(3), 203–212.
- Hai, T., & Climie, E. A. (2022). Positive Child Personality Factors in Children with ADHD. *Journal of attention disorders*, 26(3), 476–486.
- Laakso, M., Fagerlund, Å., Westerlund-Cook, S., & Eriksson, J. G. (2023). Enhancing mindfulness, emotional well-being and strengths in parenting via an eight-week Flourishing Families intervention. *Journal of Child and Family Studies*, 32(8), 2375–2393.
- Lesch, K.-P. (2018). 'Shine bright like a diamond!': Is research on high-functioning ADHD at last entering the mainstream? [Editorial]. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 59(3), 191–192.
- Loton, D. J., & Waters, L. E. (2017). The mediating effect of self-efficacy in the connections between strength-based parenting, happiness and psychological distress in teens. *Frontiers in Psychology*, 8, 1707.
- Mahdi, S., Viljoen, M., Massuti, R., Selb, M., Almodayfer, O., Karande, S., de Vries, P. J., Rohde, L., & Bölte, S. (2017). An international qualitative study of ability and disability in ADHD using the WHO-ICF framework. *European child & adolescent psychiatry*, 26(10), 1219–1231.
- McKay, E., Cornish, K., & Kirk, H. (2023). Impairments in Emotion Recognition and Positive Emotion Regulation Predict Social Difficulties in Adolescent With ADHD. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 28(3), 895-908.
- Miller, C. L., Jelinkova, K., Charabin, E., & Climie, E. A. (2024). Parent and Child-Reported Strengths of Children With ADHD. *Canadian Journal of School Psychology*.
- Murray, D. W., Lawrence, J. R., & LaForett, D. R. (2018). The Incredible Years® Programs for ADHD in Young Children: A Critical Review of the Evidence. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 26(4), 195–208. <https://doi.org/10.1177/1063426617717740>
- Nordby, E. S., Guribye, F., Nordgreen, T., & Lundervold, A. J. (2023). Silver linings of ADHD: a thematic analysis of adults' positive experiences with living with ADHD. *BMJ open*, 13(10), e072052.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. Oxford University Press; American Psychological Association.
- Rogers, M. (2022). The Impact of Internalizing Symptoms on Impairment for Children With ADHD: A Strength-Based Perspective. *Journal of Attention Disorders*, 27(1), 26–37.
- Rusk, R. D., & Waters, L. E. (2013). Tracing the size, reach, impact, and breadth of positive psychology. *The Journal of Positive Psychology*, 8(3), 207–221.
- Schippers, L. M., Horstman, L. I., van de Velde, H., Pereira, R. R., Zinkstok, J., Mostert, J. C., Greven, C. U., & Hoogman, M. (2022). A qualitative and quantitative study of self-reported positive characteristics of individuals with ADHD. *Frontiers in psychiatry*, 13, 922788.

- Sedgwick, J. A., Merwood, A., & Asherson, P. (2019). The positive aspects of attention deficit hyperactivity disorder: a qualitative investigation of successful adults with ADHD. *Attention deficit and hyperactivity disorders, 11*(3), 241–253.
- Sherman J., Rasmussen C., Baydala L. (2006). Thinking positively: How some characteristics of ADHD can be adaptive and accepted in the classroom. *Childhood Education, 82*(4), 196–200.
- Steiner, A.M., Gengoux, G.W. (2018). Strength-Based Approaches to Working with Families of Children with ASD. In: Siller, M., Morgan, L. (eds) Handbook of Parent-Implemented Interventions for Very Young Children with Autism. Autism and Child Psychopathology Series. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-319-90994-3_10
- Waters, L. (2015). The Relationship between Strength-Based Parenting with Children's Stress Levels and Strength-Based Coping Approaches. *Psychology, 6*, 689-699.
- Waters, L., & Sun, J. (2016). *Can a Brief Strength-Based Parenting Intervention Boost Self-Efficacy and Positive Emotions in Parents? 1*(1), 41–56.
- Waters, L., Loton, D. J., Grace, D., Jacques-Hamilton, R., & Zyphur, M. J. (2019). Observing Change Over Time in Strength-Based Parenting and Subjective Wellbeing for Pre-teens and Teens. *Frontiers in psychology, 10*, 2273.